

خشت و آینه

آخرین جزئیات اکسپوی ۹۱ از زبان معاون هنری وزارت ارشاد باید از برخی توهمات جلوگیری کرد

■ **مرتضی محسن پور:**
تایستان به پایان رسیده و فرصت ارایه‌شده توسط وزارت ارشاد به دستگاه‌های دولتی برای پرداخت پول هنرمندان و گالری‌های حاضر در اکسپوی ۹۱ نیز تمام شده است. تیرماه امسال بود که تالار وحدت شاهد جنب‌وجوش افراد و نهادهای دولتی برای برگزاری و خرید از این نمایشگاه بود؛ اکسپویی که در آن خبر از خریداری آثار هنرمندان بنام و طراز لولی چون پرویز کلاتری، هانیبال الخالص، جواد حمیدی، صاقلت جباری، حبیب‌الله صاقتی، محمدابراهیم جعفری، احمد اسفندیاری، حسین محجوبی، صادق تبریزی، جلال شباننگی و... داده شد. بعد هم دبیر اکسپو از خریداری شدن اثر محسن وزیری‌مقدم به مبلغ ۶۰۰میلیون ریال به عنوان گران‌ترین اثر خبر داد. حالا مدت‌ها از آن روزها گذشته و خبرها حاکی از پرداخت‌نشدن پول آثار خریداری شده است. معاون هنری وزارت ارشاد در پاسخ به سوال «شرق» مبنی‌بر پرداخت‌نشدن پول برخی از هنرمندان حاضر در اکسپوی ۹۱، به‌خصوص وزیری‌مقدم گفت: «اگر آثاری توسط شورای مربوطه خریداری شده باشد، قطعا به‌ذی‌نفع گفته شده است.» حمید شاه‌آبادی ادامه داد: «در بعضی موارد هم ممکن است افرادی دوست داشته باشند آثارشان خریداری شود و تصورشان بر این است که خریداری شده است.» وی با بیان اینکه حتی ممکن است در مرحله ارزیابی و کارشناسی شایعاتی هم دراین‌باره مطرح شده باشد می‌گوید: «کمیته مربوطه آثار را انتخاب کرده و به افرادی که از آثارشان انتخاب‌شده اعلام کرده است.» شاه‌آبادی با بیان اینکه بازه زمانی که در این حوزه انجام می‌شود طولانی نیست، افزود: «باید از برخی توهمات جلوگیری کرد.»

ادامه از صفحه ۱۴

چه رفتاری خواهیم داشت وقتی جنگ شروع بشود؟

از آنجا که او این انتخاب را با میل خود انجام می‌دهد- جذا از اینکه این میل چگونه تحقق می‌یابد- پیشاپیش نسبت به بروز هر اتفاقی آمادگی داشته با اصطلاحا خود را واکنسینه می‌کند. «واکنسینه شدن» آدم‌ها در مواجهه با اتفاقات و حتی حوادث طبیعی حاد بخش مهمی از داستان‌های همينکوی و حتی زندگی خود همينکوی در ادبرمی‌گیرد زرسا همينکوی در جنگ‌های جهانی و همين‌طور در جنگ‌های داخلی اسپانیا حضوری فعال داشت. رمان بلند «تافوس برای که می‌زند» نوشته همينکوی در چنین حال و هوایی نوشته شده است. رابرت جردن قهرمان کتاب راه خود را در زندگی پیدا کرده شخصیت و چهره او اگرچه از گذشته‌های تلخ و سرخوردگی حکایت دارد («ما او دیگر انسان خوشبختی است زیرا مشکل زندگی خود را حل کرده است» حتی مرگ خود را نیز پذیرفته است. شند جقق روزه جوشایی که رابرت جردن گرفتار آن می‌شود نشان می‌دهد که این مرد برای خودکشی به جبهه جنگ نرفته است. انسانی است که هنوز می‌تواند عشق بورزد، می‌تواند زندگی کند، بنابراین فداکاری او ارزش واقعی دارد.» اینکه آدمی برای خودکشی به جبهه نرود که خود آن را انتخاب کرده باشد، اینکه مشکل زندگی خود را حل کرده باشد، به ناگزیر فرد را در هیات یک قهرمان ارتقا می‌دهد؛ قهرمانی که در هر حال خود را پیروز می‌داند. به نظر نجف درایندیری این مضمون ازگزیستانسیالیستی- شکست پیروزمندانه- در مهم‌ترین کتاب‌های همينکوی نقشی باز دارد. در کتاب «تافوس برای که می‌زند» همان مایه شکست پیروزمندانه

تکرار شده است. مهم نیست که در پایان کار چه کسی شکست می‌خورد، زیرا این امر بستگی به عواملی دارد که غالبا از دایره قدرت قهرمان داستان بیرون است. مهم این است که قهرمان ما چگونه با دشواری‌ها روبه‌رو می‌شود و اگر شکست می‌خورد این شکست را چگونه تحمل می‌کند؟ اکنون به ایلیا ازنبورگ بازگردیم. او که در پنجوجه جنگ‌های داخلی اسپانیا همينکوی را در مادرید مدام گرسنه می‌بیند در حالی که همينکوی در فلوریای آمریکا خاندانی داشته که در آنجا می‌توانسته ماهیگیری کند و غذای خوب بخورد اما همينکوی خود را به مادرید می‌رساند، ظاهرا نیاز به شوکی واقعی داشته. او این شوک را در نبردی واقعی یعنی در جنگ می‌یابد. تمام ماجرای ازگزیستانسیالیستی در این است که جنگ برای همينکوی اصلا مساله‌ای فرعی نبود، یعنی آنکه او بر حسب اتفاق در مادرید محاصره‌شده به‌سر نمی‌پرده که برحسب اتفاق در جنگ‌های جهانی شرکت نکرده اساسا اتفاق در ازگزیستانسیالیسم جایی ندارد زیرا آزادی نامحدود انسانی را سلب کرده و اراده او را به محاق می‌برد. اینکه همينکوی و بخش مهمی از نویسندگان آن نسل مساله را فردی می‌دیدند از شجاعت‌شان چیزی کم نمی‌کند. قهرمان آثارشان ضمن دفاع از موقعیت خود در برابر ضربات زندگی با مردن با پیروزی معنوی همان تم شکست پیروزمندانه را پی می‌گرفتند. آنان اگرچه مسایل شخصی‌شان از خود حل می‌کرده‌اند اما با این حال به نظر می‌رسد جنگ و هر شوک مهم دیگری تنها آنگاه می‌تواند اهمیتی در خور یاد که نه‌تنها به آدمی الهام بخشد و او را ارتقا دهد بلکه «دیگری» یعنی تاریخ را نیز با خود همسو کند.

پی‌نوشت‌ها:

- سقوط پاریس، ایلیا ازنبورگ، محمد قاضی، صص ۴-۶۲۳
- سارتر که می‌نوش: پابلک احمدی، ص ۲۳۶
- سقوط پاریس، ایلیا ازنبورگ، محمد قاضی، ص ۶۱۷
- ۵- نگاه نو و ویژه همينکوی، نجف درایندیری، صص ۱۲ و ۱۳، آبان ۹۰



شرق - شهرزاد همتی:
این بار سینماگران خود به میدان آمده‌اند تا بتوانند از حقوق اذست‌رفته خود دفاع کنند. آنان به جای اینکه در گیر ساخت و خلق آثار هنری باشند، مسایل اکران و ارتباط با مخاطب برایشان مهم شده است. ۱۰ سینماگر در این نشست مشترک در انتقاد از سیاست‌های حوزه هنری مبنی بر عدم اکران فیلم‌هایشان، شرکت کردند و اولین تأکید حاضران «غیرسیاسی» بودن سخنان و «هفتی بودن» حضورشان بود. هرچند درنهایت تصمیم نهایی خود را در این زمینه اعلام نکردند و قرار است به گفت‌وگو با مسوولان ادامه دهند. آنان سوال‌های متعددی را مطرح کردند از تفاوت نکته‌ها و نظرات مسوولان ارشاد در موقعیت‌های متفاوت، از نهادهای تصمیم‌گیر که فشار می‌آورند اینکه آنها چه نیازهایی هستند که هیچ وقت معلوم نمی‌شود چه کسانی هستند. همچنین درخواست کردند تا بداندن «این اخلاقی که حوزه هنری مدعی آن است چه تعریفی دارد». آنان از این گفتند که «برخی فیلم‌ها از مجاری ناشناخته مسایل‌شان را حل می‌کنند.» «غلامرضا موسوی» مجری این نشست در ابتدا چنین گفت: «ما زمانی اقدامات‌مان را آغاز کردیم که بین وزارت ارشاد و حوزه هنری صلح کامل برقرار بود تا منتهم به طرفداری یکی از این دو نوشیم.» «سیدجمال ساداتیان» تهیه‌کننده «رف روی کاچه» بر سینمای اجتماعی تأکید کرد: «بخشاش بیشتر سینمای اجتماعی است، فیلم ما در جشنواره به نمایش درآمد و با مردم ارتباط برقرار کرد اما اینکه برخی جریان‌ات فرا قانونی پیدا شوند و خود را عقل کل بدانند درست نیست، به وجود آمدن این بحث‌ها تشبیه به فضای نودالیسم اروپا است که این راه را اصلاح کردند و متاسفانه ما با ۷۰ سال فاصله وارد آن راه می‌شویم.» مهدی کره‌پور، کارگردان «بل چوبی» بر صنفی بودن این جمع تأکید داشت و گفت: «همه برای حمایت هم در اینجا حضور داریم، متاسفانه حوزه هنری سعی می‌کند با ادرس اشتباه دادن این جریان را منکوب کند، باید دید از محدودسازی چه کسانی سود می‌برند؟!» «عبدالحضا کاهانی» از منظر انتقاد به عدم مدیریت درست مسوولان سخن گفت: «به نوبه خودم به جایی اجازه نمی‌دهم از این جریان سوءاستفاده کنند و معتقدم همه‌مادند هم هستند و مدیریت بلد نیستند و از کاری که انجام می‌دهند اطلاعات ندارند. من در این شرایط با همان پروانه وزارت ارشاد هم مشکل دارم. چه برسد به حوزه هنری که بخواهد دخالت کند. ما منتهم هستیم فیلم‌هایمان ضدخانواده و اخلاقی است، اما می‌توانم ثابت کنم رفتار برخی مدیران حوزه هنری و ارشاد غیراخلاقی‌تر است. همین که اینجا جمع شدایم، نشان می‌دهد خانواده داریم و چرا فکر می‌کنند این چیزها را نمی‌فهمیم، فقط

دوست داریم واقعی حرف بزنیم.» کاهانی افزود: «حتی الان حوزه هنری به من بگوید فیلم‌ام در سینماهایشان اکران نشود قبول نمی‌کنم و الان حالت درویشی را دارم که به فقری که دارد عادت کرده است و اگر فیلم‌ام اکران نشود دوست دارم در همان سینماهای محدود باشد. اما مساله به جایی رسیده که دیگر مشکل ما نیست و مساله سینماست و باید خوب و بد را چه جدا شوند.» مانی حقیقی ادعای حوزه هنری مبنی بر اینکه براساس یک کار ارزشی، این کار را انجام می‌دهد کاملا نادرست دانست و گفت: «فاتی حمزه‌زاده مطرح کردند که جلسه‌ای با فیلمسازان معترض داشتند و در نهایت از ایشان تشکر هم شده است، که

این حرکت‌شان زیرآب ارشاد را می‌زنند، تنها مشکل ما با حوزه هنری است. دوستان برخلاف ادعایشان ممیزی داده‌اند و گفتند اگر فلان سکلسک حذف شود؛ مشکل حل خواهد شد. به من می‌گویند فیلم من امیدوارکننده نیست و به خاطر همین در این لیست آمده است و سوال من این است: کدام قانون چنین چیزی را به من گفته است؟ و مانع از ساخت چنین فیلمی شده است؟» این نشست با حضور سیدغلامرضا موسوی و فریدون جیرانی تهیه‌کننده و کارگردان فیلم «من مادر هستم»، مرتضی و مصطفی شایسته، تهیه‌کننده و کارگردان «من همسرش هستم»، عبدالرضا کاهانی تهیه‌کننده و کارگردان «بی‌خود و بی‌جهت»،

انکار ارزش‌های «حوزه هنری» با ارزش‌های جامعه فرق دارد

پیمان معادی

من تمام خوشحالی‌ام برای این است که تکه آخر فیلم من حذف نشد و شاید همین باعث شد آقایان فیلم من را جزو فیلم‌های ضدارزش بدانند. آنجایی که مرد فیلم می‌گوید من را به‌خاطر تمام این شش ماه بخش وزن می‌گویند تو یک حس خوشایند من را با او ببخش من تمام این شش ماه را خواهم بخشید. همین نشان می‌دهد که مردان ما نه توانایی قبول مشکلات و کاستی‌های خودشان را دارند و نه می‌توانند معنی ترویج خیانت و ارزش را تحلیل کنند. من همان‌طور که در جلسه هم اعدام کردم اگر سرمراه‌گذار فیلم کس دیگری نبود، من می‌گفتم حوزه هنری خیلی هم دلش بخواهد فیلم من را اکران کند. در

این موضوع به من برمی‌گردد. من با ایشان جلسهای داشتیم و به لحاظ ادب خانوادگی‌ام اس‌اس‌اش تشکری که بعد جلسه به ایشان دادم، در همان زمان هم فضا را بسیار بدتر از آنچه که فکر می‌کردم دیدم.» این کارگردان اتفاق به وجود آمده را بزرگ‌ترین آبروریزی در سال‌های اخیر عنوان کرد و ادامه داد: «گروهی فکر می‌کنند اخلاق را بهتر از ما می‌فهمند و معلوم نیست خودشان از کجا آمده‌اند که بدون توضیح درست و مشخصی، شش فیلم را قلع و قمع می‌کنند و وقتی قانون و جایگاه فیلمسازان را نادیده می‌گیرند خودشان راسا تصمیم می‌گیرند. کارشان را هم ارزشی جلوه می‌دهند.» کارگردان و تهیه‌کننده «پذیرایی ساده» بااعتقاد بر غیراخلاقی بودن این روش حوزه هنری معتقد است: «آنها با

علی سرتیپی و مهدی کره‌پور، تهیه‌کننده و کارگردان «بل چوبی»، مانی حقیقی تهیه‌کننده و کارگردان «پذیرایی ساده» و سید جمال ساداتیان و پیمان معادی تهیه‌کننده و کارگردان «رف روی کاچه» برگزار شده بود.

سه پایانه صنفی

این نشست بعد از بیانیه آنان در هفته پیش انجام شد. سازندگان این شش فیلم برای اکران در سینماهای حوزه هنری دچار مشکل هستند و آنها هشدار دادند: «ادامه شرایط اکران، منجر به حذف بخش خصوصی و مرگ سینمای اجتماعی ایران می‌شود.» این بیانیه با استقبال سخنگوی شورای صنفی نمایش روبه‌رو شد و به ایسنا گفته شد: «ما به عنوان یک صنف وظیفه

انتقاد از «جریان‌های فراقانونی» در حوزه سینما



داریم از آنها دفاع کنیم. شورای صنفی نمایش، به همکاری که چنین باشکوه و هیجان‌آور برای احقاق حق‌شان در کنار هم گرفتنند، تبریک می‌گوید.» طبق روندی که از عیدامسال تاکنون پیش آمده است چندین تهیه‌کننده ورشکست و سینمای ایران دچار یک شکس تکان‌دهنده شده و تولید و نمایش به کما رفته. در این روند حمایت‌های متعددی از سازندگان شش فیلم شد. به گونه‌ای که آنان را «دوستان خلق طلب» نامیدند. این روند ادامه پیدا کرد به گونه‌ای که اکنون کارگردانان سینمای ایران و انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران در بیانیه‌های جداگانه‌ای خواستار حل مشکل اکران شدند. در بخش‌هایی از بیانیه کلون کارگردانان با اشاره به بحران اکران در سینماها که از اسفندماه سال گذشته آغاز شده و به اعتقاد این کلون ناشی از عملکرد مدیران سینمایی و شورای صنفی نمایش است، آمده: «این بحران بعد از گذشت هفت ماه به شکلی دیگر خود را نمایان ساخته است. آنان که منافع خود (ونه منافع سینمای ایران آن گونه که ادعای می‌کنند) را در گرو ایجاد بحران و فضای غبار آلود می‌دانند، هر بار به بهانه‌ای این ائتار را شملوع‌تر می‌سازند» کلون کارگردان معتقد است: «با سکوت و انفعال مسوولان سینمایی که متوایل اصلی این ماجرا هستند، در این شرایط عملا زمینه روبرویی اهالی سینما با یکدیگر فراهم می‌شود.» در این بیانیه آمده است: «گرمای که می‌شدد از همان ابتدا از طریق گفت‌وگو و مذاکره به راحتی باز شود، با صدور بیانیه‌هایی و خط‌نوشان کشیدن و تهدید و ارباع چند سینما و سینماگر و... به گره کوری تبدیل شده که هر روز پیچیده‌تر می‌شود و گویی راه خلاصی از آن نیست.» کلون کارگردانان در بیانیه خود به چهار بند اشاره کرده‌اند که ارشاد از مسوولان تمام سایل حوزه سینما می‌دانست.

حوزه جای حق نشسته است

از آن طرف «حمزه‌زاده» معاون حوزه هنری درباره عدم اکران شش فیلم در سینماهای حوزه هنری در برنامه هفت، گفته بود: «اتاق فرمان سینمای ایران در دست وزارت ارشاد است که هر قصوری به گردن خودش بوده و هر افتخاری نیز به نام آنهاست اما از دید حوزه، شورای صنفی نمایش با فزاتر از وظایفش می‌گذارد. با کلیت سینما مخالف نیستیم اما چطور می‌شود که تمام فیلم‌های ساخته‌شده در یک‌جاقرار است اکران شود این فیلم‌ها مضامینی که ما قبول داریم مخالف است و حوزه آنها را اکران نمی‌کند.» وی ادامه داد: «در این زمینه هیچ تفرقه‌ناهمانی‌امضا نشده است و حوزه هنری حرف حق را زده و هزینه آن را می‌پردازد.» هرچند این سخنان همان‌طور که در ابتدای گزارش آمده است، در این نشست و با کنش سینماگران روبه‌رو شد.

فقط کتاب‌های درسی را برای فرزندش می‌خرد. به تازگی کارگروه حل مشکل کاغذ در معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شده است. «داریوش رضوانی» مسوول

این کارگروه شد. رضوانی نیز در نخستین اظهارنظرش، دلیل گرانی کاغذ را افزایش قیمت ارز ارزیابی کرد و از کاهش قیمت کاغذ وعده داد. این کارگروه قصد دارد اقداماتی برای حل مشکل کاغذ انجام دهد و تلاش می‌کند با هماهنگی‌ای که با بانک مرکزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت انجام می‌دهد، سازوکارهای ممکن برای حل مشکل کاغذ را بررسی کند و از اسوا-استفاده‌های احتمالی در این حوزه جلوگیری کند. «سیدمحمد حسینی» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه جلسه هیات دولت، از تصویب برداشتن تعرفه کاغذ خبر داد و گفت: حذف تعرفه کاغذ تصویب شده تا امتیازی باشد برای کسانی که واردات کاغذ را انجام می‌دهند.

موزه معصومیت «اورهان پاموک» در صدر مکان‌های توریستی استانبول معرفی شده است. این روزها موزه‌های که بر اساس رمان موزه معصومیت پاموک ساخته شده است، با رنگ قرمز تند در نقشه‌هایی که در اختیار گردشگران استانبول قرار می‌گیرد، مشخص شده است. موضوعات، اشیا و این قبیل چیزها شاهی برای داستان عشق بین کمال و فوسون هستند. قهرمان‌های داستان «موزه معصومیت»، بازدیدکنندگان از این موزه می‌توانند بخش‌هایی از این رمان را به چهار زبان در موزه بشنوند. همه اینها در حالی است که اورهان پاموک یکی از منتقدان اصلی حزب حاکم در ترکیه است، او در چند سال گذشته با اظهارنظرهای جنجالی‌اش درباره کشتار ارمنه بارها خبرساز شده بود، با این حال دولت ترکیه خللی در کار حرفه‌ای او ایجاد نمی‌کند.



شرق: گروه موسیقی «رستاک» به سرپرستی سیامک سپهری در شهر لندن به روی صحنه می‌رود. به گزارش روابط عمومی فستیوال هنر، این کنسرت در تاریخ ۳۰ مهر (۲۱ اکتبر) سال‌جاری به خوانندگی فرزاد و بهزاد مرادی در سالن «باربیکن هال» لندن برگزار خواهد شد. فستیوال هنر لندن که همواره برگزارکننده برنامه‌های هنری و فرهنگی با هدف معرفی و شناساندن موسیقی و هنر از این‌زمین میان مردمان این کشور است؛ این بار با بهره‌گیری از گروه رستاک، هدیه‌ای ارزشمند را برای هوطنان خارج از کشور تدارک دیده تا اعضای این گروه در اجرایی تازه، ترانه‌های بومی و محلی را برای هوطنان اجرا و ملودی‌ها و ترانه‌های سرزمین‌مان را که در خاطره‌هایمان با آنها خو گرفته‌ایم یک‌بار دیگر برای دوستان‌ار این موسیقی ایرانی زنده کنند.

چمباتمه

دست‌به‌دامان منفعت‌های اتفاقی

مرتضیه رسولی

■ دست‌تان را دراز کنید سمت جاکتانی و تصادفی یک کتاب را بردارید. به صفحه ۵۲ این کتاب بروید و جمله پنجم را پیدا کنید و آن را در فیس‌بوک، توئیتر یا هر شبکه اجتماعی که عضوش هستید بنویسید اما اسم کتاب را نگویند. این بازی‌ای است که در هفته جهانی کتاب راه افتاده و تقریبا همه‌گیر شده است. باید خیلی دست‌ودلبازی به خرج دهید تا این بازی را در زمره کارهایی که به ترویج کتابخوانی کمک می‌کنند به حساب بیاورید. بیشتر شبیه فال گرفتن است و مثل هر فالی می‌توان از آن هر برداشتی کرد. شاید کسانی که عقیده دارند هر کتابی به رشد آگاهی کمک می‌کند و تنها عمل کتاب خواندن است که اهمیت دارد فکر کنند این بازی هم کارکرد مثبتی دارد، با کسانی که هدف از کتابخوانی را فراموش کرده‌اند و ناخودآگاه عمل کتاب‌خواندن برای آنها تبدیل به هدف شده حالا چرا نباید مشخصات کتاب را نوشت؟ شاید کسانی باشند که از بین خیل عظیم کتاب‌ها، این کتاب را خوانده باشند و صفحه پنجاه و دوم را هم از بر باشند و بتوانند حدس بزنند جمله پنجم مربوط به کدام کتاب است. شاید هم قرار است کسی که دستش را به سمت کتاب دراز می‌کند یا خواندن جمله پنجم از خط ۵۲ ننواید کتاب را رها کند و غرق در کتاب شود. اگر هدف بازی این باشد پیش‌فرض‌هایی برایش در نظر گرفته شده که ممکن است درش پاشیده طبق پیش‌فرض‌ها کتابی که کمتر از ۵۲ صفحه داشته باشد کتاب محسوب نمی‌شود یا خلاف پیش‌فرض‌ها ممکن است کتابی که تصادفا برآشاید کتاب داستان نباشد، معادلات ریاضی باشد، کمیک‌استرپ یا مصور باشد. پیش‌فرض‌های این بازی مثل جمله‌هایی است که شهرداری تهران در همه جای شهر پر کرده است: «پدر و مادر از اینکه به هم احترام می‌گذارید، ممنونم»، «پسر با من حرف بزن اما نه مثل همیشه...» بعضی می‌گویند بازی است دیگر، قرار نیست که دنیا را تکان دهد، قرار است سرگرم کند و شاید باعث شود چهار نفر هم ترغیب به خواندن کتابی شوند. جهان‌بینی‌ای وجود دارد که می‌گوید اگر کاری ضرر ندارد باید جلو وگوشش را گرفت. بعد از مدتی (و شاید همین الان) می‌بینید دنیا پر شده از کارهای بی‌ضرر و پوچی که نفع و زبانی به کسی نمی‌سازد. چون نفع اتفاقی که قرار است این‌جور بازی‌ها و برنامه‌ها به کتاب و ادبیات برسانند را می‌توان از هر چیزی دیگری انتظار داشت. گمانه‌چیزگرت‌ها اما بعد از مدتی می‌بینید بعضی از همین کارهای بی‌ضرر که قرار بوده عده‌ای را با هم متحد کنند و بعد کنار گذاشته شوند، خود به اصل چیزی تبدیل شده‌اند و سهم بزرگی برای خود می‌خواهند. آماری وجود ندارد که بعد از انجام این بازی‌ها و برنامه‌ها چقدر به تعداد کسانی که وارد دنیای کتابخوانی شده‌اند اضافه شده اما باور خیلی‌ها این است که این شاه‌الله تاتیرگذار خواهد بود و سبب خیر خواهند شد، بایبید نفوس‌بد زننیم. سومین هفته از سپتامبر هر سال هفته کتاب است. برنامه‌های مختلفی به مناسبتش برگزار می‌شود و نویسندگان برای امضای کتاب‌هایشان این طرف و آن طرف می‌روند. هفته کتاب، هفته یادآوری کتاب‌های ممنوعه و سرفه‌هم هست. در ویکی‌پدیا فهرست کتاب‌های ممنوعه که ضبط و تصرف شده‌اند، هست. حواشی بیرونی بعضی کتاب‌ها شنیدنی است، روزگار پرفراز و نشیبی را گذرانده‌اند تا توانست‌اند سرزمین عجایب» نوشته لوییس کرول، «همشوقه لیدی چترلی» نوشته دی‌آچ‌الارنس، «لولیاتی» ناگوف، «آدام بوواری» گوستاو فلوبر، «مسخ» فرانتس کافکا، «ولیوس» جیمز جویس و «ممو سسام واقعا چه می‌خواهد» نوشته نوام جامسکی را می‌توانید در این فهرست ببینید که زمانی در کشوری ممنوع شده‌اند و شاید هنوز هم بعضی جاهای قابل چاپ باشند.

دور ایران

نامزدهای جایزه منتقدان تئاتر معرفی شدند

■ هیات داوران یازدهمین مسابقه مطبوعاتی سالانه انجمن منتقدان و نویسندگان خاله تئاتر متشکل از دکتر خسرو حسینی(مدیرمسابقه) و مدرس روزنامه‌نگاری، دکتر محمدرضا مدقق (مدقق و مدرس روزنامه‌نگاری) و دکتر محمدحسین ناصریخت (منتقد و مدرس تئاتر) پس از بررسی آثار رسیده متقاضیان شرکت در مسابقه مذکور، نامزدهای دریافت جایزه را در گرایش‌های مختلف به شرح زیر اعلام کردند:
گزارش: «فرزانه ابراهیم‌زاده» از روزنامه شرق، «سیدجواد اشکدری» از روزنامه شهرآر و «سعید محبی» از ماهنامه نمایش.
گفت‌وگو: «هدا طیبی» از روزنامه روزگار، «فروغ سجادی» از سایت فرهنگ امروز و «هریم عرفانیان» از روزنامه هفت صبح.
یادداشت: «علی‌رضا سعیدی کیاسری» از روزنامه بشیر، «ابین عطیمی» از روزنامه روزگار و «محمد فاتحی» از سایت خانه تئاتر.
نقد: «ابین عطیمی» از روزنامه روزگار، «هومن نجفیان» از روزنامه روزگار و «فروغ سجادی» از سایت ایران تئاتر.
مقاله: «نیایش پورحسن» از فصلنامه تئاتر، «سید میثم مطهری» از فصلنامه مطالعات زنان دانشگاه تهران و «کیوان میرحممدی» از فصلنامه تئاتر.
مسابقه مطبوعاتی سالانه انجمن منتقدان و نویسندگان خاله تئاتر براساس شیوه کدگذاری و با حذف اسامی افراد و نشریات صورت می‌پذیرد که امسال یازدهمین دوره از آن برگزار می‌شود؛ برگزیدگان این مسابقه به‌زودی و در جریان برگزاری جشن یازدهمین سالگرد تأسیس انجمن منتقدان و نویسندگان خاله تئاتر معرفی و تقدیر خواهند شد.